



خدا، در نگاه شریعتی

در راستای خداگونه شدن

نویسنده : نگاه نو

کانون آرمان شریعتی

## 🌀 آن پناهگاهِ ابدی!

● "... اگر

تنهاترینِ تنهاها شوم،

باز خدا هست.

او،

جانشینِ همه‌ی نداشتن‌هاست.

● نفرین‌ها و آفرین‌ها بی‌ثمر است.

اگر،

تمامیِ خلق،

گرگ‌هایِ هار شوند،

و از آسمان،

هول و کینه بر سرم بارد،

تو،

مهربانِ جاودانِ آسیب‌ناپذیرِ من هستی.

ای پناهگاهِ ابدی!

تو می‌توانی

جانشینِ همه‌ی بی‌پناهی‌ها شوی..."

▲ مقدمه :

● در نگاهِ متفکرانِ مذهبی، تا به امروز، تلقی هر فرد، از خدا، در مواجهه‌ی با هستی، دارای دو وجه بوده است: وجهِ وجودی، و وجهِ توصیفی. به عبارتِ دیگر، خدا نیز، به اغماض، هم‌چون هر موجودِ دیگری، دارای دو وجهِ اصلی در نظر گرفته شده است: وجود و ماهیت. که در دو مقوله‌ی "وجهِ وجودی" و "وجهِ توصیفی"، به آن پرداخته شده است.

● ما نیز، در مذهبِ خویش، به خدای متعال، آن امرِ قدسیِ معنابخشِ به هستی، از دو چشم‌انداز می‌نگریم: اول، از نظرِ وجودی (وجهِ وجودی)، که بحثِ درباره‌ی چراییِ "وجود" خداست. دوم، از نظرِ معنایی (وجهِ توصیفی)، که بحثِ درباره‌ی چیستیِ "ماهیت" خداست.

## ▲ خداخواهی : از نظر وجودی

● در مسأله‌ی نگاه به خدا "از نظر وجودی"، بحث ما درباره‌ی "وجود" یا "عدم وجود" خدا، و رابطه‌ی خدا با هستی، و نیز، طرح مسأله‌ی "خالق"، "ناظم"، "هادی"، "ناظر"، و "قاضی" بودن خدا است.

● و مسأله‌ی اصلی، در این تلقی، "باور" به وجود یک شعور جاودان در جهان، است، که کانون معنوی هستی است. و خروجی این مرحله، پیدایش یک "خدا باور" است.

● در نگاه ما، خدا، از نظر وجودی، برای بشر مادی، قابل درک نیست. و هرگونه بحثی در این مورد، چه فلسفی و چه علمی، جدلی بی‌ثمر و بی‌پایان است، که راه به جایی نخواهد بُرد.

● و میراث برجای مانده‌ی از این بحث‌ها و جدل‌های بی‌ثمر موجود در تاریخ بشر، خود، گواه روشنی در این مورد است!

● آری! باور به وجود خدا، امری "وجودی" بوده، و تنها و تنها، در حیطة‌ی "ایمان قلبی"، مطرح است.

## ▲ خداخواهی : از نظر معنایی

● در مسأله‌ی نگاه به خدا "از نظر معنایی"، بحث ما درباره‌ی "ماهیت" خدا، و "شناخت" صفات بی‌شمار خدا است. و خروجی آن، "خداشناس" شدن همان "خداپاور" بخش وجه وجودی است، که پس از "پاور" به وجود خدا در جهان، به "شناخت" ماهیت و چیستی او، همت گمارده است.

● و شگفت آن که، این بخش از نگاه به خدا، در عین حال که، یکی از ضروری‌ترین و حیات‌بخش‌ترین بخش‌های هر نگاه مذهبی است، و در رابطه‌ی مستقیم با هدف خلقت انسان، و رشد و تعالی انسانی است، به شدت مورد فراموشی و بی‌مهری متفکران و روشنفکران مذهبی قرار گرفته است.

● در نگاه ما، خدا، از نظر معنایی، برای بشر مادی، کاملاً، و به سادگی، قابل شناخت است. و این شناخت، عبارت است از: شناخت مجموعه صفات مشترک بین انسان و خدا، که در طول تاریخ، از وجود انسان سر زده، و در ذهن او جای گرفته‌اند. و امروز، این صفات‌ها، با نام "ارزش‌های انسانی"، در تمامی فرهنگ‌های بشری، مورد تائید و تاکید قرار گرفته است.

## ✦ دیدگاه شریعتی :

### ▲ مقدمه :

● دکتر شریعتی نیز، در نگاه به خدا، همان تقسیم‌بندی کهن را پذیرفته، و در همان قالب، اما با نام‌هایی جدید، به تشریح خداخواهی خود، با نگاهی توحیدی، پرداخته است. شریعتی، مقوله‌ی وجه وجودی را، "دیدگاه فلسفی"ی به خدا، و وجه توصیفی را، "دیدگاه انسانی"ی به خدا، نام نهاده است.

● در نگاه شریعتی، "دیدگاه فلسفی"ی به خدا، بر بخش "بودن" انسان، پرتوافشانی می‌کند، و "دیدگاه انسانی"ی به خدا، بر بخش "شدن" انسان.

● دیدگاه فلسفی به خدا، "یاور" و "پناه" انسان است برای "ماندن" در این کویر وحشت. و دیدگاه انسانی به خدا، "یادآور" ارزش‌های نهفته‌ی در فطرت انسانی است، در راستای خلق "یک سیستم ارزشی"، و "جهت‌بخش" خداگونه شدن انسان، که هدف نهایی خداوند در آفرینش انسان بوده است. و نیز، رهایی خداوند، آن گنجینه‌ی پنهان هستی، از تنهایی و بی‌خویشاوندی‌اش!

- و اکنون من، در پست‌های زیر، دیدگاهِ خداخواهیِ بسیار عمیق و کاربردیِ شریعتی را، طرح کرده، و بسط می‌دهم:

## ✦ اول : دیدگاه فلسفی

### ▲ دیدگاه فلسفی ۱

✧ خداباوری (وجه وجودی) :

● در دیدگاه فلسفی، یک "خدا باور"، جهان را، نه مجموعه‌ای از عناصر، نیروها، و قوانین کور، که، پیکری زنده و معنی‌دار می‌بیند.

● خدا باور آگاه، خود را، در برابر هستی‌ای می‌یابد، که می‌فهمد، احساس می‌کند، و اراده‌ای آگاه، بر آن، حاکم است.

● در نگاه شریعتی، "فقدان" خدا، سیمای طبیعت را، "ابله" می‌نماید، که انسان، خود را، با او، "بیگانه" حس می‌کند.

● غیبت خدا، هستی را، قبرستان بی‌کرانه‌ای می‌کند، که انسان، خود را، در آن، "تنها" می‌یابد.



## ▲ دیدگاه فلسفی ۲

✧ خدا باوری (وجه وجودی) :

● از نظر شریعتی، باور به خدا، که جهان طبیعت را، با روح، با شعور، و دارای اراده و هدف، معرفی می‌کند، جهان‌بینی‌ای به یک خداپرست آگاه می‌دهد، که این جهان‌بینی، با اعتقاد به علمی‌بودن جهان، سازگارتر است.

● زیرا، برخلاف ادعای خداناباوران، انتساب علم و منطق، که ساختمان جهان، و قوانین طبیعت، دقیقاً بر آن استوار است، به جهل (جهان بی‌شعور) و جمود (جهان بی‌روح)، نسبتی نامعقول و ناموجه است.

● در حالی که، ایمان یک خدا باور، به وجود یک عقل مطلق در عالم، ایمان به این اصل، که عالم، مطلقاً بر علم بنا شده است را، کاملاً توجیه می‌کند.

### ▲ دیدگاه فلسفی ۳

✧ خدا باوری (وجه وجودی) :

● در دیدگاه فلسفی شریعتی، خدا، جان جهان است، روح جهان است. و جهان، پیکره‌ای است که، با این روح، زنده است، با این روح می‌فهمد، با این روح احساس می‌کند، و معناداری و هدفمندی هستی، وابسته به حضور این روح جاودان آسیب‌ناپذیر است.

● و در صورت فقدان این روح، هستی، به "لش"ی متحرک، با سیمایی "ابله"، تبدیل خواهد شد. چشم‌اندازی سخت "دلهره‌آور"، که در متفکرانی چون سارتر و کامو، شاهد آن بوده‌ایم.

## ▲ دیدگاه فلسفی ۴

✧ خداباوری (وجه وجودی) :

● در دیدگاه فلسفی شریعتی، یک "خداباور"، با باور به حضور و حاکمیت شعوری جاودان در هستی، و هدفداری جهان، و به بازی و بازیگری نیافریده شدن موجودات جهان، نه تنها، از "بیگانگی"ی با هستی، و "بی‌پناهی"ی در زندگی، رهایی می‌یابد، بلکه، طبیعت، انسان، جامعه، و تاریخ را نیز، "هدفدار"، و "مسئول" می‌شمارد، که جملگی، در راه تحقق اهدافی، چه به صورت جبری (در پدیده‌های طبیعی)، و چه به صورت اختیاری (در انسان و جامعه)، راهی راهی بی‌پایان‌اند.

## ▲ دیدگاه فلسفی ۵

✧ خداباوری (وجه وجودی) :

● از نظر مذهبِ خداگونگی، "خداباور" بودن، و در دیدگاه فلسفی (وجه وجودی)، به "وجود" خدایی در جهان باور داشتن، به هیچ وجه، به معنای "خداشناسی" نیست! و ما آن را "خداباوری" می‌نامیم.

● در حقیقت، "خداباوری"، تنها اعتراف و باور به "وجود" و "حضور" خدایی زنده و با شعور، در این هستی است. و هنوز فرد "خداباور"، به مرحله‌ی "شناخت" ماهیت و صفات خداوند، نرسیده، و "خداشناس" نشده است!

● چرا که، "خداشناسی"، تنها و تنها، با ورود به مرحله‌ی "دیدگاه انسانی" (وجه توصیفی)، برای فردِ خداباور، تحقق خواهد یافت. و چه بسیار خداباورانی که، هرگز خدای خویش را نشناخته‌اند! و این است آن رازِ بزرگِ انحطاط اخلاقیِ اکثریتِ خداباوران!

## ✦ دوم : دیدگاه انسانی

### ▲ خداشناسی (وجه توصیفی) :

● در "دیدگاه انسانی"ی شریعتی به خدا، شریعتی از "ماهیت" و "صفات" خداوند سخن گفته است. اما وی، به جای استفاده از واژهی "صفات"، واژهی "ارزش" را به کار برده است.

● از نظر وی، ارزش‌های مورد پرستش بشر در تاریخ، که به دنبال تحقق آن در خویش و در دیگران بوده است، همان صفاتی است که، در انسان و خدا، مشترک است، و در حقیقت، ارزش‌هایی انسانی \_ خدایی است

● پس، "شناخت" ارزش‌های انسانی \_ خدایی، گامی است در راستای الگو ساختن این ارزش‌ها، برای خداگونه شدن. و به عبارتی، "خویشتن خدایی خویش" را، بر "تراز" این ارزش‌های انسانی \_ خدایی، پروردن.

## ✦ تعریف ارزش

● در نگاه شریعتی، ارزش‌ها، عبارتند از، مقدسات انسانی، و فضیلت‌هایی اخلاقی و ماورایی، که انسان، فارغ از اندیشه‌ی سود و زیان، در قبال آن‌ها، سرِ تکریم و تقدیس فرود می‌آورد، و برای‌شان حرمت و قداست قائل است.

● انسان، در برابر هر پدیده‌ای که قرار می‌گیرد، آن را، با معیار "نفع" ای، که برای زندگی وی دارد، موردِ قضاوت قرار می‌دهد، و قیمت می‌گذارد، اما، پدیده‌هایی استثنایی نیز هست، که فرد، آن‌ها را، قیمتی‌تر و برتر از زندگی خویش، و منافع فردی خویش، می‌یابد، و خود را، در مقامی احساس می‌کند که، باید، منافع خویش، و گاه، زندگی خویش را، در خدمت آن‌ها، قرار دهد، و حتی تثار کند. در این حال، انسان، در برابر "ارزش" قرار گرفته است.

## ✦ تعریفِ خدا

● در نگاهِ شریعتی : خدا مجموعه‌ای از تمامی ارزش‌های متعالی مطلق است. خدا مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک میان انسان و خداست! با این تفاوت که، در انسان، "نسبی" است، و در حال تکامل، و در خدا، "مطلق"، و مجرد.

● خدا، مظهرِ "خودآگاهی" است، و "آگاهی"، "اراده"، "آفرینندگی"، "ابداع"، "علم"، "راهبری"، "تعلیم"، "تربیت"، "ستایشِ حق"، "نفرتِ از باطل"، "بیزاری از دروغ"، "صداقتِ محض"، "جود"، "بخششِ بی‌نظر"، "بخشایشِ بی‌غرض"، "رحم"، "مهربانی"، "زیبایی"، "قدرت"، "کرامت"، "هدایت"، "عزت"، "حیا"، "دوست داشتن"، "انتقام"، "قصاص"، "آزادی"، "آزادی بخشیدن"، "تحملِ عقیده‌ی مخالف"، و حتی "عمیان علیه خویش"، "آگاه کردنِ خلق به خیر و شر"، "نشان دادنِ راهِ رشد و بیراهه‌ی غی"، "دادنِ آزادیِ انتخاب به دیگران"، و "دعوتِ به کمال و نجات".

## ● خدای انسان‌وار

● خدای شریعتی، خدایی انسان‌وار است. سرشار از صفت‌ها و ارزش‌هایی برای "شناختن"، "پرستیدن"، و "از آن خود کردن". خدایی که، هر چند در وجه وجودی خویش (در دیدگاه فلسفی)، بی‌رنگ و بی‌صورت است، اما، در وجه توصیفی خویش (در دیدگاه انسانی)، گلستانی است از گل‌های ارزش‌وار آماده‌ی دیدن و بوئیدن و چیدن.

● آری! گلستانی از گل‌های ارزش‌وار آماده‌ی دیدن و بوئیدن و چیدن! چه، خدای بی‌رنگ و بی‌خو و بی‌صورت، برای انسان‌هایی که، جهت تحقق هدف هستی، یعنی "خداگونه شدن"، به باغ خداپرستی آمده‌اند، تا رنگ و خو و صورت خدایی بگیرند، هم‌چون باغی خشکیده، و سرزمینی سوخته، است.



## ✦ خداخواهی از نگاه شریعتی

● در نگاه شریعتی، خداخواهی اصولی دارای چهار مرحله‌ی اساسی است: خداپوری، خداشناسی، خداپرستی، و خداگونگی. پس، خداخواهی، عبارت است از:

◆ اول، "خداپوری"، یعنی باور به وجود و حضورِ خدایی، که معنای هستی، و خالق و هادی و حاکم بر آن است.

◆ دوم، "خداشناسی"، یعنی شناختِ صفاتِ خدایی، که همان ارزش‌های انسانی \_ خدایی است.

◆ سوم، "خداپرستی"، یعنی پرستشِ آن ارزش‌های انسانی \_ خدایی با همه‌ی وجودِ خویش.

◆ و چهارم، "خداگونگی"، یعنی تلاشِ عاشقانه و مخلصانه، در تحققِ همین ارزش‌ها، در خویش، در راستای خُلق و خویِ خدایی گرفتن، و "خویشتنِ خویش" را خدایی ساختن و خداگونه شدن. و به تعبیرِ اقبالِ لاهوری، با اتصافِ به صفات و ارزش‌های انسانی \_ خدایی، در صدفِ خویش، گوهر ساختن، و دُرْدانه‌ی اقیانوسِ وجود شدن.

## ▲ آسیب‌شناسیِ خداخواهی ۱

● با یک بررسیِ اجمالی، درباره‌ی خداخواهیِ اکثریتِ مردم، و با معیارِ قرار دادنِ ابعادِ چهارگانه‌ی خداخواهیِ شریعتی، عللِ انحطاطِ خداباوران در جوامعِ مذهبی، به خوبی آشکار شدنی است.

● در آغاز، اگر بخواهیم شرح دهیم که، خدای اکثریتِ مردمِ خداباورِ عادی، چگونه خدایی است؟ شرح آن چنین است:

◆ خدا، "خالقِ" جهان است، که این باور، پاسخ به سؤالاتی است در ذهنِ آنان، درباره‌ی چگونگیِ خلقت انسان و جهان.

◆ خدا، "پناه" آنان است، از هراسِ "تنهایی"ی در جهانی ناشناخته و هولناک!

◆ خدا، "یاور" آنان است، در ناتوانیِ آنان در رویارویِ بحران‌های فردی و اجتماعی.

◆ خدا، "مرجع" آنان است، برای طرح و رفع نیازهای مادی و روحی و روانیِ آنان!

◆ و خدا، "پاسخ"ی است آرامش‌بخش، به سوالِ چگونگیِ زندگیِ رمزآلودِ پس از مرگ!

● این همه اما، تنها و تنها، "یکی" از مراحلِ "چهارگانه"ی خداخواهیِ شریعتی است!

## ▲ آسیب‌شناسی خداخواهی ۲

● در خداخواهی اکثریت مردم، هیچ نشانی از "خداشناسی"، به معنای، خدا را، مجموعه‌ای از ارزش‌های انسانی \_ خدایی، فهمیدن، و به ویژه، هیچ نوع آگاهی از مفاهیمی چون "سیرِ الی الله"، "خلق و خوی خدایی گرفتن"، "جانشین خدا در زمین شدن"، "خداگونه شدن"، و... نیست.

● آنان، هیچ نسبتی را، بین خدا باور بودن، با الزام به تحقق ارزش‌های انسانی \_ خدایی، در خویشتن خویش، و در جامعه، ندیده، و اساساً، خدا باوری و خداپرستی، هیچ رسالتی را، جز انجام مجموعه‌ای از احکام و شعائر و مراسم، بر دوش آنان قرار نمی‌دهد. و خدا باوری آنان، در واقع، وسیله‌ای است برای رهایی از استیصال زاده‌ی یک زندگی روزمره! همین!

### ▲ آسیب‌شناسی خداخواهی ۳

● شریعتی، آن "خدا‌باورانی" را که، بدون گذر از مرحله‌ی "خداشناسی"، یعنی بدون شناخت صفات خدا، و ارزش‌های انسانی \_ خدایی، وارد مرحله‌ی "خداپرستی" شده‌اند، و اساساً، هیچ درکی هم، از خداگونه شدن، در ذهن ندارند، بت‌پرست نامیده است. چه، پرستش خدایی که، او را هیچ نمی‌شناسیم، با پرستش بت، یکی است.

● در واقع، اکثریت مومنان، پس از مرحله‌ی "خدا‌باوری"، با نادیده گرفتن مرحله‌ی "خداشناسی"، وارد مرحله‌ی "خداپرستی" می‌شوند، و در نتیجه، به جای پرستش "صفات خدایی"، که انسان‌ساز است، "وجود" او را می‌پرستند، که نوعی بت‌پرستی انحطاط‌آور است!

● آری! درست همانند رابطه‌ای که، اکثریت شیعیان، با امام علی برقرار کرده‌اند: عشق و پرستش موجودی به نام علی، بدون شناخت او، و بدون درک ضرورت تعالی‌بخش پیروی از وی، و علی‌گونه شدن.

#### ▲ آسیب‌شناسی خداخواهی ۴

● در نگاه شریعتی، خداجویی، که یک گرایش فطری، و به تعبیری، "بُعدِ چهارم" روح انسانی است، و اساساً، خصلتِ وجودی اوست، که از خودآگاهی و کمال‌جویی وی سر می‌زند، هنگامی که وارد "تاریخ" می‌شود، و به ناچار، از مراحل گوناگون تحول اجتماعی در تاریخ می‌گذرد، و در اسکلت‌های خاصی از نظام‌های اقتصادی \_ اجتماعی \_ سیاسی قرار می‌گیرد، و در بندِ روابط طبقاتی \_ نژادی \_ فرهنگی ویژه‌ای، که براساس تبعیض و فریب و تجاوز و تخدیر و استبداد و استثمار طبقه‌ای و قومی و تباری و خاندانی استوار است، گرفتار می‌شود، با روح و بینش حاکم می‌آمیزد، و آنگاه، با مصالح و منافع قدرت‌های حاکم سازگار می‌شود، و در نهایت، توجیه‌کننده‌ی وضع موجود، و تحکیم‌کننده‌ی نظام حاکم می‌گردد.

## ▲ آسیب‌شناسی خداخواهی ۵

● در نگاه شریعتی، خداخواهی، برخلاف انتقادِ خداناباوران، و پندار و عملِ اکثریتِ مردمِ خدا‌باور، یک چاپلوسیِ شاه‌پرستانه، از یک قدرتِ حاکم، برای جلبِ رضای او، در راستای "دفعِ شری"، یا "جلبِ نفعی"، از جانبِ او، نیست، بلکه، شناخت و پرستشِ آگاهانه‌ی ارزش‌های متعالی است، و طرحِ مکررِ آن ارزش‌ها، اندیشیدنِ مداومِ بدان‌ها، و تأملِ ناگسستنیِ درباره‌ی آن‌ها است.

● و در حقیقت، خداخواهی، نوعی "آموزش" و "پرورش" انسان، با این ارزش‌های انسانی\_خدایی، است، که تکاملِ انسان، بسته به میزانِ تقربِ وی، به این ارزش‌ها، است. با چنین تلقی‌ای از خداخواهی است که، عمق و دامنه‌ی معنای اصطلاحاتِ متداولی، که متأسفانه به "ابتذال" کشانده‌اند، آشکار می‌شود.

## ▲ آسیب‌شناسی خداخواهی ۶

● در نگاه شریعتی، خداخواهی، آن چنان که در مذهب ارتجاعی و سنتی مطرح است، به زبونی و ذلت و نفی اصالت انسان افتادن، در قبال جلال و جبروت جابرانه‌ی خدای مستبد عالم، نیست.

● خداخواهی، "باور" به وجود خدایی در جهان، "شناخت" صفات و ارزش‌های خدا، "پرستش" این ارزش‌های انسانی \_ خدایی، و در نهایت، "خداگونه شدن"، با نزدیک و نزدیک‌تر شدن به او، در هر لحظه و، در هر گامی است.



## ▲ خداگونگی، مرحله‌ای حیاتی!

● در مذهبِ خداگونگیِ شریعتی، خداخواهی، شاملِ چهار مرحله است: خداباوری، خداشناسی، خداپرستی، و خداگونگی.

● ما برای جلوگیری از انحطاطِ ایده‌ی خداخواهی، آن را به دو بخش تقسیم می‌کنیم: بخشِ ذهنی، بخشِ عینی.

● اول، بخشِ ذهنی، شاملِ سه مرحله‌ی خداباوری، خداشناسی، و خداپرستی، که یک امرِ ذهنی است، و با تلاشِ ذهنی و قلبیِ هر رهروی، قابلِ تحقق است.

● دوم، بخشِ عینی، شاملِ یک مرحله‌ی خداگونگی، که یک امرِ عینی و عملی است، و تنها با تلاشِ عملیِ یک رهرو، قابلِ تحقق است.

● نظریه‌ی خاصِ شریعتی، در موضوعِ خداخواهی، آن است که: پذیرشِ بخشِ ذهنیِ سه مرحله‌ایِ خداخواهی، بدونِ تحققِ بخشِ عینیِ آن، یعنی مرحله‌ی عملیِ خداگونگی، نه تنها ایده‌ای "رهایی‌بخش" نیست، بلکه، نوعی "بت‌پرستی"، و

عامل "اختگی" خود ایده‌ی خداخواهی، و نیز، انحطاطِ رقت‌بارِ  
رهروانِ آن مذهب است.

✦ و در پایان ...

● این مقاله، برداشتی بوده است، از بررسی دقیق، و کلمه به کلمه‌ی، مقاله‌ی "عشق \_ توحید" شریعتی، در مجموعه آثار شماره ۲، به نام "خودسازی انقلابی"، که از مقالات اساسی سال‌های پایانی عمر پُربارِ آن عزیزِ سفرکرده‌ی ماست. که خداپرستی را، در اوجِ آن، که همان "شدن"، و "خداگونگی" است، مطرح ساخته است. یادش گرامی باد!



آخرین ویرایش : بهمن ۱۳۹۷

کانون آرمان شریعتی



خانه